

فروش راکتور از سوی والاحضرت اشرف!!

امیرفیض- حقوقدان

ایران یارگرامی آقای چمن آرا

موفقیت حضرتعالی را درتنظیم کتاب ۲۰۲۰ شادباش میگویم پیش بینی سرکاردرباره سقوط جمهوری اسلامی شباهت زیادی با پیش بینی آقای سام قندی دارد با این تفاوت که از آقای سام قندی نکول^۱ شده است و از سرکار سر رسید نشده است.

واما بعد

غرض ازتصدیع حاضرتقاضای تفهیم بنده است.

۱- درگفگوی حضرتعالی دربرنامه آقای سربی که به همت جاوید ایران درجریان آن قرارگرفتم درباره شورش ۵۷ اظهارنظرکرده اید که >انقلاب ۵۷ وقتی پیش آمد که مردم ایران از اصلاحات توسط شاهنشاه آریامهردرمورد قانون اساسی ناامید شده بودند. ایشان چون مانند آخوندها اهل صحبت نبودند و هرکس آمد وگفت یا پیام داد شاه گفت سعی میکنم که قانون اساسی را رعایت کنم<

موارد مورد استدعای تفهیم بنده اینهاست:

✳ کدام اصلاحاتی درقانون اساسی مشروطیت مورد تقاضای مردم بود که سبب نا امیدی مردم ازشاهنشاه ایران شد؟

✳ برداشت ازاظهارات سرکارممکن است این باشد که پیامهای مورد ادعای شما درخصوص اعتراض به شاهنشاه، مبنی برعدم رعایت قانون اساسی بوده است، که ازقول شاهنشاه نقل پاسخ کرده اید که ایشان گفته اند >سعی میکنم که قانون اساسی را رعایت کنم<.

بنابراین مستفاد ازجریان مزبوربه آنجا متبادر به ذهن میشود که شاهنشاه ایران قانون اساسی کشور را رعایت نمیکردند. بنابراین، اصالت تحقیق واهمیت موضوع اقتضای آن دارد که موارد عدم رعایت قانون اساسی وتمام آن ازجانب شاهنشاه ایران را اعلام بفرمائید.

^۱ - نکول

(اسم مصدر) [عربی]

(۱) .اقتصاد، بانکداری خودداری از پرداخت وجه برات یا حواله.

(۲) برگشتن و روگرداندن از چیزی.

(۳) خودداری از جواب دادن یا سوگند خوردن.

(۴) .ترسیدن و رو برگرداندن از دشمن.

۲- نسبت به راکتور اتمی بوشهر ایجاد اتهام کرده اید که والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی فروشنده راکتور اتمی بوشهر از زیمنس آلمان بوده و آن راکتور هم کهنه و فرسوده بوده است.

در اخبار جمهوری اسلامی منتشر شده در کیهان تهران، به اظهارات شیخ حسن روحانی استناد شده که «سانتیفیوژهای خریداری شده ایران در سال ۱۳۸۲ فرسوده بوده و چون در بسته بندی نوبوده مایخیال کردیم که نواست» (کیهان تهران)، ولی در هیچ جا دیده و یا خوانده نداشته است که راکتور اتمی بوشهر کهنه بوده و فروشنده آن هم والاحضرت اشرف بوده است.

برای کمک به حضرتعالی، در سال ۶۲ اعلامیه مفصلی از سوی جمهوری اسلامی تحت عنوان (اختاپوس و جغد ۱۰۰ پا) منتشر گردید که تمام فعالیت های تجاری بنیاد پهلوی و والاحضرتها و علیاحضرت بتفصیل در حالت آگراندیسمان ذکر شده است؛ که بنده هم در پاسخ به آن، سند مفصل ۱۰ صفحه ای در کتاب خاطرات و ماجراهای وکیل دربار پاسخ داده، استناد و درج فتوکپی شده است. در آن لیست مفصل هم مورد اتهامی که حضرتعالی در برنامه آقای سربی متوجه والاحضرت اشرف کرده اید، نیافتم.

مزید تشکراست که از پاسخ های روشن و مستدل حضرتعالی احساس قناعت گردد.

با احترام امیرفیض

=====

**

برگ ۲۷۸- کتاب «خاطرات و ماجرا های وکیل دربار» الف- امیرفیض

جغد ۱۰۰ پا

[[این صورت چند صفحه ای تحت عنوان «اختاپوس، جغد ۱۰۰ پا» تهیه و منتشر شده به علت فتوکپی های پی در پی بسیار ناخواناست و برای اینکه خوانندگان متحمل زحمت نشوند، اینجانب با سابقه ذهنی که نسبت به نام شرکت ها داشته ام آنرا با هر زحمتی بود قرائت و مستخرجه زیر را تهیه و متن همان صورت را نیز در ذیل این گفتگو و بنظر خوانندگان میرسانم.

در صورت فوق که به منظور ارائه کیفیت سرمایه گذاری های خاندان پهلوی در ایران منتشر شده تهیه کنندگان آن که مسلما به اداره ثبت شرکت ها مراجعه نیز کرده اند، توانسته اند هرگونه سرمایه گذاری هریک از افراد خاندان پهلوی، چه سببی و یا نسبی را ذکر کنند.

همچنین فرقی بین شرکت که یک موسسه انتفاعی است با سازمان هایی که غیر انتفاعی است گذاشته نشده و تمامی آنها حتا باشگاه های ورزشی و بنیاد ها هم به حساب شرکت های تجاری و صنعتی قلمداد شده است.

نکته قابل توجه دیگر این صورت این است که اگر در شرکتی یکی از افراد خاندان پهلوی تنها چند سهم هم داشته است، آن شرکت به حساب آن سهامدار منظور و تعداد سهام آن سهامدار ذکر نگردیده تا معلوم نشود که موقعیت آن صاحب سهم در آن شرکت چیست.^۲

جمع کل این شرکت ها و کلپ ها و بنیاد ها مجموعاً ۱۹۴ عدد میباشد که از آن تعداد ۸۵ شرکت، بنیاد پهلوی در آن سرمایه گذاری نموده و ۹ شرکت، سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی و ۳ شرکت بنیاد اشرف پهلوی و خیریه فرح پهلوی که آنها نمی توانند به والاحضرت ها تخصیص داشته باشد، زیرا که شخصیت بنیاد با شخصیت موسسین آن تفاوت دارد و بنیاد در آمد قابل تقسیم و یا تعلق به موسسین ندارد و در واقع یک موسسه عام المنفعه است.

پس از وضع آن ۸۵ شرکت بقیه که برابر با ۹۷ شرکت میشود، ۲۷ نفر از خاندان پهلوی از والاحضرت ها تا آتابای که تحت عنوان نوه رضا شاه کبیر از او در صورت یاد شده در آن سهام می باشند.

این واقعیت برای هر عاقلی قابل تمیز است که خیلی فرق است بین آنکه ۲۷ نفر از خاندان پهلوی (نسبی و سببی) در ۹۷ شرکت سهام باشند. با این ادعا و شایعه تفاوت آشکاری است بین ۹۷ شرکت با ۲۲ هزار شرکت ثبت شده در ایران.

در سالهای شکوفایی ایران، افرادی که چندین شرکت با فعالیت های مختلف و حتی یکسان داشتند کم نبودند. خود من در چندین مورد وکالت چنین شرکت هایی را داشتم که یک مورد آن قبلاً در این کتاب ذکر گردید که حدود ۱۲ شرکت معدنی عملاً و حقیقتاً متعلق به یکنفر بود.^۳

وانگهی هیچ منبع قانونی در اینکه شخصی در شرکت های مختلف سرمایه گذاری کند نبود، کمالینکه در هیچ کشور نیست و نه برای افراد و نه برای والاحضرت ها محدودیتی در این زمینه وجود نداشت، که سرمایه گذاری ۲۷ نفر از خاندان پهلوی در ۹۷ شرکت چنان گناه پر سرو صدایی باشد.

تا آنجا که من در جریان شرکت هایی بودم که والاحضرت ها (موکلین) در آن سهم داشتند، به جرات میگویم که تعدادی از شرکت های مندرج صورت یا منحل شده و یا عملاً منحل شده محسوب می شده و هیچگونه فعالیتی نداشته است و چون موکلین اینجانب از نظر سهام در اقلیت کامل بوده اند، متأسفانه اقدام به انحلال شرکت ممکن نگردیده.

سوابق و مکاتباتی که با مدیران این قبیل شرکت ها برای تصمیم به انحلال به عمل آمده همه و همه در پرونده های امر موجود است.

۲ - در بسیاری موارد صاحبان سرمایه از روی ارادت و گاهی هم از روی نیت بهره وری از نام خاندان پهلوی چند سهام صوری به نام یکی از افراد خاندان پهلوی صادر میکرده اند (همانند دکتر افتخاری) و ارتباطی به سرمایه گذاری مستقیم آن شخص از خاندان پهلوی نمی توانست داشته باشد. ح-ک

۳ - گفتگو کننده ها، به ویژه کسانی که با تلویزیون یا رادیو هایی گفتگو می کنند که سهم نگهداری و ادامه کار آن رادیو یا تلویزیون از سوی بیگانه های ضد ایران و یا مستقیم از سوی وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی تامین میشود، در این رادیو تلویزیون ها بجای اشاره به فرار ۳۰۰۰ میلیارد ها، گم شدن دکل حفاری ۷ هزار میلیاردی یا دزدی های مجتبی و مصطفی و یا هاشمی های بهرمائی و طبسی ها و یا بدهی ها و شرکت های تو در تویی که آغا زاده ها و بچه ملاها و یا خود ملاها در آن شریک هستند چیزی نمی گویند و برای اینکه سهمی از نم، نم مالی برده باشند موضوع های بی مصرف ۴۰ سال پیش را مطرح می کنند و خوب هم میدانند که سندی برای ارائه ندارند. هرروز در رژیم اسلامی قانون شکنی رواج بیشتری دارد ولی بدون سند به قانون شکنی در دوران شاهنشاه اشاره می کنند و سندی هم برای اثبات ادعای دروغین خود ندارند. ح-ک

در کتاب ۹ برگ در دو ستون صورت شرکت هایی که روزنامه کیهان زیر عنوان «اختاپوس جغد ۱۰۰ پا» که واژه «اختاپوس» را هم «اختاپوس» نوشته اند دیده میشود، چون لیست به دلیل فتوکپی پی در پی بسیار ناخوانا است از کپی آن خودداری شد.

شریک زورگی

نکته اینجاست که در جریان شورش و پیروزی شورشیان، تنها شایع نشد که والاحضرت ها در کلیه شرکت های بزرگ سهام و شریک اند بلکه این مسئله هم اضافه شد و در برخی از جراید هم خوانده شد که هر شرکت فعالی و یا شرکتی که برای امور سود آوری تشکیل می شد، والاحضرت ها با تهدید و ارعاب موسسین شرکت، مقداری از سهام آن شرکت ها را به خود تخصیص میدادند و در واقع شریک زورگی می شدند.

من تصور میکنم که ساخت چنین مطلبی، بهترین مستمسکی بوده است تا موسسین شرکت هایی که والاحضرت ها در آن سهام بودند بتوانند از آزار و صدمات شورشیان مصون مانده و اموالشان مصادره نشود. فکر کنیم، کسی با التماس و واسطه تراشی والاحضرت ها را در شرکت خودش شریک کرده و قبل از شورش افتخار هم میکرد و یک والاحضرت میگفته و ۱۰۰ والاحضرت فخر میفروخت، حال جواب ملاهای حاکم، غاصب را چه بدهد تا از خشم آنان مصون باشد جز تمسک به اینکه تحت فشار و اجبار به مشارکت والاحضرت تن داده است؟...]]